



دیالوگی بین نهاد پژوهشگاه با نهاد های بالادستی اتفاق نمی افتد. به همین دلیل، وقت انرژی، وقت و سرمایه های انسانی و سرمایه های مالی صرف می شود اما آن برون دادی که بتواند نظام علمی کشور را متحول کند از طریق پژوهشگاه محقق نمی شود



عکس: veer

غیبت (پژوهشگاه ها) در نظام سیاستگذاری ایران

در باب بی کارکردی پژوهشگاه ها

تحلیل

دکتر سید جواد میری

جامعه شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه ها باید جایگاه مهمی در تغییر و تحولات فرهنگی، سیاسی، ژئوپولیتیک و استراتژیک یک کشور داشته باشند و به نوعی در ترسیم

«نقشه راه» برای سیاستگذاری های آینده پژوهانه و کلان هر کشور سهیم باشند، اما وقتی از «جایگاه پژوهشگاه ها در نظام سیاستگذاری ایران» پرسش می کنیم، به نظر می رسد که پژوهشگاه ها در نظام سیاستگذاری کشور آنچنان که باید محفل توجه نبوده و اهمیت چندانی ندارند. به عنوان مثال، در دو سالی که پاندمی کرونا شیوع داشت، بسیاری از مراکز علمی از جمله پژوهشگاه ها تعطیل شد و طی آن، بسیاری از پروژه های تحقیقاتی معلق ماند، اما در عمل، این غیبت هیچ تأثیری بر روند جامعه نداشت!

عواملی که باعث بی کارکردی پژوهشگاه ها می شود

پژوهشگاه ها «در مقام ایده آل» جایگاه مهمی در کشور دارند و می توانند در آینده پژوهی، توسعه و تعمیق سیاست های کلان کشور نقش آفرینی کنند اما «در مقام واقع» تأثیرگذاری جدی ندارند. یکی از مهم ترین دلایل بی کارکرد بودن پژوهشگاه ها یا بی اثر بودن شان در جغرافیای فکری کشور این است که ساختار پژوهشگاه ها در ایران، اساساً ربطی به نظام سیاستگذاری های علمی کشور ندارد؛ یعنی، میان نهاد های سیاستگذاری علمی در کشور مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگستان ها و... که تصویب سیاستگذاری های کلان کشور و تعیین نقشه راه را برعهده دارند با پژوهشگاه ها و مراکز علمی، ارتباط ارگانیک وجود ندارد؛ به همین دلیل، وقتی با این پرسش مواجه می شویم که اساساً فلسفه وجودی پژوهشگاه ها چیست و اهالی پژوهشگاه ها برای چه تحقیق می کنند؟ عملاً نمی توانیم پاسخ روشنی ارائه کنیم. اگر بخواهیم به صورت تاریخی دلایل آن را بیابیم، از یک دورانی، بودجه ای به نام «بودجه نفت» بدون کار مولد و تنها از رهگذر استخراج و خام فروشی وارد سازگار نظام مالی و اقتصادی ایران شد. این مازاد درآمد باید به نوعی میان نهاد های مختلف اجتماعی تقسیم می شد. در این بین، چند درصدی نیز سهم آموزش عالی شد و بخشی هم به تأسیس و اداره پژوهشگاه ها اختصاص یافت؛ بدون پشتوانه مطالعاتی و بدون بررسی اینکه در پس این هزینه ها چه فایده ای مورد انتظار است و اساساً چه نسبتی با کلان سیاست های توسعه در ایران دارد.

هر جامعه ای نیاز دارد که مدیریت مالی نهادهای علمی اش بهینه باشد و قوه مالی مشخصاً پیر پروژه های علمی آن متمرکز باشد. این در حالی است که پژوهشگاه های ما اساساً بودجه ای برای پژوهش ندارند و در این زمینه برنامه ای برای آن

صورت بندی نمی شود، در حالی که بحث های مالی نیز بسیار می تواند بر روند کار پژوهشگاه ها اثرگذار باشد و این نکته ای است که نباید از یاد غفلت کرد.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی؛ یک نمونه موفق

یکی از پژوهشگاه ها و مراکز علمی موفق در تاریخ معاصر ما بی تردید مؤسسه «مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران» است که زیر نظر دکتر احسان نراقی تأسیس شد. «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» که اکنون زیرمجموعه دانشگاه تهران و مدیریت حال حاضر آن با حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسا است در سال ۱۳۳۷ با تصویب شورای دانشگاه تهران و با مدیریت دکتر غلامحسین صدیقی بنیان گذاشته شد و عملاً دانشکده «علوم اجتماعی دانشگاه تهران» از آن نشأت گرفته است. یکی از مهم ترین دلایل توفیق این مؤسسه، مشخص بودن مسأله و پرسشی بود که اساساً دلیل تأسیس این مؤسسه شد و از قضا، این مسأله یک ربط جدی به تغییر و تحولات واقعی جامعه ایران داشت. در واقع، مدیریتی که این مؤسسه را تأسیس کرد مسأله و پرسشی داشت و این گونه نبود که ابتدا مؤسسه ای تأسیس شود و بعد به این بیندیشند که حال در این مؤسسه می خواهند چه کاری را پیش ببرند. جالب است که افرادی چون جلال آل احمد، احسان نراقی، حمید عنایت و... که با این مؤسسه همکاری

تولید علم متصل به تکنولوژی؛ باید رسالت پژوهشگاه ها شود

تأثیرات انقلاب صنعتی اول، چهره

می کردند، هر کدام بعدها به یکی از کلاسیک های دهه چهل بدل شدند و حرف های آنان نه در سطح جامعه ایران که در سطح جهان، انعکاس پیدا کرد. این در حالی است که پژوهشگاه ها و مراکز علمی که امروز در ایران خوب کار می کنند، بیشتر ذوقی بوده و ربطی به سیاستگذاری نهادی و علمی ندارد.

بین پژوهشگاه ها با نهاد های بالادستی دیالوگی وجود ندارد

دیالکتیک و ارتباط ارگانیک بین نهاد های علم در ایران وجود ندارد. این امر باعث می شود ارتباط بین پژوهشگاه ها و مراکز علمی و نهادهای سیاستگذار علم، در هاله ای از ابهام قرار گیرد. پژوهشگاه ها در مقام عمل هنوز نتوانسته اند خود را به منصفه ظهور برسانند. هیچگاه نهادهای بالادستی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دسترس پژوهشگران و اعضای هیات علمی پژوهشگاه ها نیستند. به همین دلیل، دیالوگی بین نهاد پژوهشگاه با نهادهای بالادستی اتفاق نمی افتد. گاه سیاستگذاری هایی که نهادهای بالادستی تدوین می کنند، به مثابه یک امر تحمیلی به نهاد های زیرمجموعه شان دیکته می شود. به همین دلیل، وقت و سرمایه های انسانی و سرمایه های مالی صرف می شود اما آن برون دادی که بتواند نظام علمی کشور را متحول کند از طریق پژوهشگاه ها محقق نمی شود.

خروجی پژوهشگاه ها برای کشور چیست؟

در دو سالی که پاندمی کرونا شیوع داشت بسیاری از مراکز علمی از جمله پژوهشگاه ها تعطیل شد و طی آن، بسیاری از پروژه های تحقیقاتی معلق ماند، اما در عمل، این غیبت هیچ تأثیری بر روند جامعه نداشت. به همین دلیل، وقتی با این پرسش مواجه می شویم که اساساً فلسفه وجودی پژوهشگاه ها چیست و اهالی پژوهشگاه ها برای چه تحقیق می کنند؟ عملاً نمی توانیم پاسخ روشنی ارائه کنیم؛ در حالی که پژوهشگاه ها باید جایگاه مهمی در تغییر و تحولات فرهنگی، سیاسی، ژئوپولیتیک و استراتژیک یک کشور داشته باشند و در ترسیم «نقشه راه» برای سیاستگذاری های آینده پژوهانه و کلان هر کشوری سهیم باشند



آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره ت م ن / ۶۳ / ۴۰۱

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای هم زمان با ارزیابی (یکپارچه) اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان البرز

فراخوان مناقصه عمومی هم زمان با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

آگهی مناقصه عمومی و یک مرحله ای شماره: PZD-T-1402-451